

بررسی ارتباط بین ساختارهای رقابتی محصولات و محافظه کاری مشروط حسابداری

امید پورحیدری^{۱*}، عباس غفارلو^{**}

* دانشیار گروه حسابداری دانشگاه شهید باهنر کرمان

Opourheidari@uk.ac.ir

** کارشناس ارشد حسابداری دانشگاه شهید باهنر کرمان

Abbas.Ghaffarloo@Gmail.Com

چکیده

در این پژوهش ارتباط بین ساختارهای رقابتی محصولات و محافظه کاری مشروط حسابداری در بورس اوراق بهادار تهران بررسی شده است. برای این منظور، از اطلاعات صنعت-سال شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بر روی سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۸ استفاده شده است. برای سنجش محافظه کاری مشروط از مدل باسو (۱۹۹۷) [۹] استفاده شده است. همانند مدل فلسام (۲۰۰۹) [۱۶] ساختارهای رقابتی محصولات به مدل باسو اضافه شده و مدل اصلی پژوهش به دست آمده است. رقابت حالت چند بعدی دارد که مهمترین آنها شامل قابلیت جانشینی محصولات، حجم تقاضا، موانع ورود، نسبت تمرکز، و تعداد شرکت هستند. ارتباط بین ابعاد پنجگانه رقابت و محافظه کاری مشروط در قالب پنج فرضیه اختصاصی بررسی شده است. سپس با استفاده از این ابعاد، متغیر ترکیبی برای سنجش رقابت به دست آمده و در قالب فرضیه کلی، ارتباط بین رقابت و محافظه کاری مشروط حسابداری بررسی شده است. آزمون فرضیه‌های اختصاصی، بیانگر این نکته است که بر خلاف انتظار بین قابلیت جانشینی و محافظه کاری مشروط ارتباط معکوس و معناداری وجود دارد. ارتباط بین حجم تقاضا و تعداد شرکت‌های عضو صنایع با محافظه کاری مشروط مطابق انتظار، مثبت و معنادار است. همچنین، ارتباط بین موانع ورود و محافظه کاری مشروط مطابق انتظار، معکوس و معنادار است. نهایتاً بین نسبت تمرکز و محافظه کاری مشروط بر اساس پیش‌بینی‌ها ارتباط معکوس، ولی ضعیف مشاهده می‌شود. آزمون فرضیه کلی نیز نشان داد بین ساختارهای رقابتی محصولات و محافظه کاری مشروط حسابداری، ساختارهای رقابتی محصولات، تهدیدات رقابتی و اخبار خوب و بد.

۱- مقدمه

وسیله باسو در سال (۱۹۹۷) بیانگر محافظه‌کاری مشروط است.

واتس (۲۰۰۳) [۲۷] و کوئنگ (۲۰۰۷) [۲۲] ریشه حسابداری محافظه‌کارانه در گزارشگری مالی را دلایل اقتصادی می‌دانند. بیور و رایان (۲۰۰۵) [۱۲] بیان کردند که انگیزه اصلی برای محافظه‌کاری نامشروط سختی ارزیابی دارایی‌ها و بدهی‌هاست، در حالی که انگیزه اصلی برای محافظه‌کاری مشروط خنثی کردن تمایل مدیران در ارائه اطلاعات مالی جانبدارانه است. زیمرمن (۱۹۸۳) [۲۹] ضمن بیان اینکه محافظه‌کاری باعث افزایش کیفیت اطلاعات مالی است، اظهار می‌کند انگیزه اصلی اتحاد رویکردهای محافظه‌کارانه در شرکت‌های بزرگ کاهش هزینه‌های سیاسی است. کمیته مطالعاتی اراسموس به سرپرستی دکتر کنویس (۲۰۱۰) [۱۹] به این نتیجه رسید که با افزایش بدهی‌ها تقاضا برای محافظه‌کاری هم بیشتر می‌شود.

در رابطه با رقابت که از دیگر عوامل توجیه‌کننده تقاضا برای محافظه‌کاری حسابداری است، داروغ و استاگتون (۱۹۹۰) [۱۴] بیان می‌کنند که تهیه‌کنندگان اطلاعات مالی اغلب در مواجهه با فشارهای رقابتی، محافظه‌کاری در گزارشگری مالی در پیش می‌گیرند و بدین ترتیب، اخبار و علائم خوب و مساعد را پوشش داده، اخبار و نشانه‌های بد را برجسته می‌کنند. کارونا (۲۰۰۷) [۱۷] اظهار می‌کند با بالا گرفتن تنش‌های رقابتی تمایل برای ارائه اطلاعات مساعد، در خصوص حجم تقاضا، بهای تمام شده و قیمت‌های فروش کمتر می‌شود و این در حالی است

این مقاله به بررسی ارتباط بین ساختارهای رقابتی محصولات و محافظه‌کاری مشروط حسابداری در گزارشگری مالی می‌پردازد. باسو (۱۹۹۷) [۹] بیان کرد محافظه‌کاری، تاییدپذیری متفاوت لازم برای شناسایی درآمدها و هزینه‌هاست، که به کم‌نمایی سود و دارایی‌ها منجر می‌شود. واتس (۲۰۰۳) [۲۷] محافظه‌کاری را گرایش حسابداری به الزام درجه بالاتری از تاییدپذیری برای شناسایی اخبار خوب در مقایسه با میزان تاییدپذیری لازم برای شناسایی اخبار بد تعریف کرد. تحقیقات اخیر محافظه‌کاری را به دو نوع مشروط و نامشروط تقسیم کردند.

بیور و رایان (۲۰۰۵) [۱۲] بیان می‌کنند محافظه‌کاری مشروط که محافظه‌کاری پس‌رویدادی یا محافظه‌کاری وابسته به اخبار نیز نامیده می‌شود، به مفهوم شناسایی بموقع‌تر اخبار بد نسبت به اخبار خوب، در صورت سود/زیان است. برای مثال، به کارگیری قاعده اقل بهای تمام شده یا ارزش بازار و یا آزمون کاهش ارزش دارایی‌ها ناشی از این نوع محافظه‌کاری هستند. آنها در ادامه بیان می‌کنند که نوع دیگر محافظه‌کاری، محافظه‌کاری نامشروط یا پیش‌رویدادی و یا مستقل از اخبار است. این نوع محافظه‌کاری از به کارگیری آن دسته از استانداردهای حسابداری ناشی می‌شود که سود را به گونه‌ای مستقل از اقتصادی کاهش می‌دهند. از مثال-های این نوع محافظه‌کاری، شناسایی بدون درنگ مخارج تحقیق و توسعه یا مخارج تبلیغات به عنوان هزینه و نه به عنوان دارایی را می‌توان ذکر کرد. بیور و رایان (۲۰۰۵) [۱۲]، باسو (۱۹۹۷) [۱۰] و کارونا (۲۰۰۷) [۱۷] اظهار می‌کنند که تعریف ارائه شده به

تهدیدات رقابتی یاری کند. همچنین، نتایج پژوهش می‌تواند در ارزیابی بهتر اوراق بهادار توسط تحلیلگران و سرمایه‌گذاران استفاده شود، زیرا در صورت اثبات فرضیه‌های پژوهش، صنایعی که با تهدیدات رقابتی روبه‌رو هستند، به علت اتخاذ رویکرد محافظه‌کارانه، تصویر نامناسب در گزارش‌های مالی ارائه خواهند کرد و در حقیقت، وضعیت مالی این صنایع بهتر از وضعیتی است که در گزارش‌های مالی ارائه می‌شود.

ساختار مقاله بدین صورت است که در بخش بعد پیشینه تحقیق آورده شده است. در ادامه، به بررسی فرضیه‌های تحقیق، مبانی نظری آنها و تعریف عملیاتی متغیرها پرداخته شده است. پس از بیان فرضیه‌های تحقیق به آزمون فرضیه‌ها خواهیم پرداخت. در بخش آزمون فرضیه‌ها، ابتدا آمار توصیفی و نگاره همبستگی بین متغیرها آورده می‌شود و پس از بررسی فروض کلاسیک، رگرسیون فرضیه‌ها را آزمون و یافته‌ها را بیان خواهیم کرد. آخرین بخش هم شامل خلاصه و نتیجه‌گیری، پیشنهادها، کاربردی، محدودیت‌های تحقیق و پیشنهادهایی برای تحقیقات آتی خواهد بود.

پیشینه تحقیق

واتس (۲۰۰۳) [۲۶ و ۲۷] چهار دیدگاه توجیه کننده تقاضا برای محافظه‌کاری را ذکر نموده که شامل دیدگاه قراردادی، دیدگاه دعاوی حقوقی، دیدگاه مالیاتی و دیدگاه تقاضای منظم محافظه‌کاری است. طبق دیدگاه قراردادی، طرفین قراردادهای واحد تجاری خواستار ارائه اطلاعات قابل تایید و اتکاپذیر هستند. او اعتقاد دارد منظور از اتکاپذیری، عدم تقارن در قابلیت تایید اخبار خوب و بد یا همان محافظه‌کاری است. بر اساس دیدگاه دعاوی حقوقی،

که بازیگران هر یک از صنایع اطلاعات نامساعد در زمینه‌های یاد شده را برجسته می‌کنند.

بر اساس نظریه‌های داروغ و استاگتون (۱۹۹۰) [۱۴]، داروغ (۱۹۹۳) [۱۲]، کارونسا (۲۰۰۷) [۱۷]، داهالیوال و همکاران (۲۰۰۸) [۱۵] و فلسام (۲۰۰۹) [۱۶] محافظه‌کاری حسابداری ابزاری برای کاهش فشارهای رقابتی و از این طریق باعث افزایش ثروت ذی‌نفعان و خرسندی آنان محسوب می‌شود. اتخاذ رویکردهای محافظه‌کارانه علاوه بر کاهش فشارهای رقابتی باعث کاهش انتظارات بازار سرمایه از عملکرد آتی شرکتها نیز می‌گردد. کاهش انتظارات بازار سرمایه با فرض ثابت بودن سایر شرایط، به کاهش ارزش بازار اوراق بهادار شرکت می‌انجامد. این پس از محافظه‌کاری ناخرسندی ذی‌نفعان را به دنبال خواهد داشت. اکنون این سوال مطرح می‌شود که آیا اتخاذ رویکرد محافظه‌کارانه و به دنبال آن کاهش فشارهای رقابتی، به حداکثر سازی ثروت ذی‌نفعان منجر می‌شود؟ پیش‌بینی می‌شود با افزایش سطح رقابت، محافظه‌کاری مشروط حسابداری نیز افزایش یابد.

هدف از انجام این پژوهش، بررسی ارتباط بین ساختارهای رقابتی محصولات و محافظه‌کاری مشروط حسابداری است. همان‌طور که ذکر شد، عوامل توجیهی تقاضا برای محافظه‌کاری متعدد هستند. یکی از این عوامل بحث رقابت در بازار است. با توجه به مزایا و معایب اتخاذ رویکردهای محافظه‌کارانه در گزارشگری مالی، به دنبال پاسخ به این سؤال هستیم که آیا با افزایش فشارها و تهدیدات رقابتی محافظه‌کاری مشروط حسابداری در گزارشگری مالی بیشتر می‌شود یا خیر؟ نتایج این تحقیق می‌تواند مدیران را در اتخاذ رویکردهای محافظه‌کارانه یا متهورانه در مقابله با فشارها و

بیشتر دعاوی حقوقی علیه تهیه‌کنندگان و حساب‌برسان اطلاعات مالی به علت بیشتر/کمتر گزارش کردن دارایی‌ها / بدهی‌ها بوده است. لذا مدیران و حساب‌برسان برای کاستن از میزان دعاوی حقوقی در جهت کمتر/بیشتر گزارش کردن دارایی‌ها / بدهی‌ها تلاش خواهند کرد. دیدگاه مالیاتی بیان می‌کند که از عوامل مهم در تعیین نرخ‌های مالیاتی سود حسابداری و اطلاعات مالی هستند. به تعویق انداختن شناسایی سودها و زودتر شناسایی کردن هزینه‌ها (محافظه‌کاری) می‌تواند مالیات پرداختنی را نیز به زمان آینده موکول کند. و نهایتاً بر اساس دیدگاه تقاضای منظم محافظه‌کاری حسابداری، با جدایی مالکیت از مدیریت، مدیریت به دنبال بهتر نشان دادن وضعیت واحد تجاری بوده است. لذا عرف حسابداری طوری عمل می‌کنند که قابلیت تایید پذیری برای اخبار خوب بیشتر از اخبار بد باشد، تا بدین ترتیب، تمایل ذاتی مدیران در ارائه اطلاعات مالی جانبدارانه خنثی شود.

زیمرمن (۱۹۸۳) [۲۹] بیان می‌کند، صاحبان قدرت انگیزه دارند برای انتقال ثروت از شرکت‌ها به خود یا سایر ذی نفعان موضع بگیرند. این مواضع به شکل الزام برخی از شرکت‌ها به پرداخت مبالغی برای موارد اجتماعی (آلودگی محیط زیست، زلزله، جنگ و...)، تحمیل نرخ‌های مالیات بالاتر یا محروم کردن آنها از برخی از مزایا و حقوق صورت می‌گیرد. هزینه‌های تحمیل شده به شرکت‌ها تابعی از قدرت سودآوری و اندازه آنهاست، زیرا شرکت‌های کوچکتر کمتر مورد توجه هستند و بنابراین، کمتر در معرض انتقال سیاسی ثروت واقع می‌شوند. در نتیجه، شرکت‌های بزرگ و موفق‌تر که تحت فشارهای

سیاسی هستند، انگیزه بیشتری برای استفاده از رویه‌های کاهنده سود خالص و در نتیجه حسابداری محافظه‌کارانه دارند. البته، دیدگاه متقابل این دیدگاه نیز از سوی رایان (۲۰۰۶) [۲۵] بیان شده است. او اعتقاد دارد که عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیران و ذی‌نفعان در شرکت‌های کوچک بیشتر از شرکت‌های بزرگ است. از این رو، تقاضا برای محافظه‌کاری در شرکت‌های کوچک بیشتر از شرکت‌های بزرگ است. باسو (۱۹۹۷) [۹]، احمد و همکاران (۲۰۰۲) [۶]، بال و همکاران (۲۰۰۰) [۷] و بیور و رایان (۲۰۰۰) [۱۱] در تحقیقات خود بر وجود محافظه‌کاری در گزارشگری مالی اذعان کردند. رویچودهاری و واتس (۲۰۰۷) [۲۴] رابطه بین عدم تقارن زمانی سود و زیان و نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری را به عنوان معیارهای محافظه‌کاری مشروط و نامشروط، بررسی کردند. نتایج تحقیق بیانگر وجود یک رابطه منفی بین این دو معیار سنجش محافظه‌کاری بود. بال و کوتاری (۲۰۰۷) [۸] با به کارگیری یک مدل اقتصاد سنجی به بررسی اعتبار مدل باسو در اندازه‌گیری محافظه‌کاری پرداختند. آنها در نهایت نتیجه گرفتند که معیار باسو فاقد سوگیری است. لافوند و واتس (۲۰۰۶) [۲۰] در تحقیقی با عنوان نقش اطلاعات در گزارش‌های محافظه‌کارانه بیان کردند، محافظه‌کاری از ویژگی‌های کیفی و مهم اطلاعات مالی است. آنها همچنین دریافتند که محافظه‌کاری در گزارش‌های مالی نمود پیدا می‌کند. مطالعات متعددی نیز در رابطه با ارتباط بین ساختارهای رقابتی محصولات و محافظه‌کاری صورت گرفته است. داروغ و استاغتون (۱۹۹۰) [۱۴] بیان کردند، از عوامل مهم برای اتخاذ رویکردهای

تلاش می‌کنند و گستره این تلاش‌ها با شدت رقابت ارتباط مستقیم دارد، زیرا این کار باعث کاهش حجم تولید رقبا شده یا حداقل جلوی افزایش تولید را خواهد گرفت و از این طریق، قیمت‌ها افزایش پیدا خواهد کرد (یا حداقل ثابت باقی می‌ماند).

دهالیوال، هواتق، کارونا و پریرا (۲۰۰۸) [۱۵] در تحقیقی با عنوان «ارتباط بین محافظه‌کاری حسابداری و ساختارهای رقابتی محصولات» نشان دادند که با افزایش شدت رقابت در بازارها عدم تقارن زمانی شناسایی سودها و زیان‌های اقتصادی نیز بیشتر می‌شود. علاوه بر این، آنها بیان کردند که کیفیت این ارتباط به متغیرهای کنترلی، به ویژه مالکیت مدیریتی بستگی ندارد.

فلسان (۲۰۰۹) [۱۶] در تحقیقی که انجام داد، رابطه بین ساختار رقابتی و حسابداری محافظه‌کارانه را بررسی کرد. او نتیجه گرفت که میزان و شدت رقابت در بازارهای محصول عاملی برای به کارگیری رویه‌های حسابداری محافظه‌کارانه است. نتایج تحقیق نشان داد که شرکت‌ها، محافظه‌کاری را در پاسخ به رقابت بیشتر به کار می‌برند. همچنین، مؤسسات پیش از صدور سهام و اوراق بدهی، کمتر از حسابداری محافظه‌کارانه استفاده می‌کنند.

در ایران نیز مطالعاتی در حوزه محافظه‌کاری صورت گرفته است. محرومی (۱۳۸۸) [۴] نشان داد محافظه‌کاری در بورس اوراق بهادار تهران وجود دارد. رضازاده و آزاد (۱۳۸۷) [۳] بر اساس این تحقیق نتیجه گرفتند که هرگاه عدم تقارن اطلاعاتی بیشتری بین سرمایه‌گذاران وجود داشته باشد، شرکت‌ها سود و زیان را با محافظه‌کاری بیشتری گزارش می‌کنند. بنی مهد (۱۳۸۵) در تحقیقی که روش‌های اندازه‌گیری محافظه‌کاری را بررسی می‌کرد

محافظه‌کارانه تهدیدات ناشی از رقابت است. رایس (۲۰۰۳) [۲۳] دریافت که با افزایش رقابت در بازار رقبای موجود در یک صنعت خاص برای جلوگیری از ورود رقبای جدید یا انتشار اطلاعات محرمانه در میان رقبای موجود محافظه‌کاری در گزارشگری مالی را در پیش خواهند گرفت. با توجه به اینکه رقبای بالقوه در صدد سرمایه‌گذاری در صنایعی با کمترین میزان ریسک و کسب بیشترین بازده هستند، در صورتی که صنایعی چنین ویژگی‌هایی را داشته باشد سریع وارد خواهند شد. برای جلوگیری از تهدیدات ورود چنین رقبایی، معمولاً فعالان صنعت محافظه‌کاری در گزارشگری مالی را در پیش می‌گیرند تا تصویری نامناسب از وضعیت صنعت ارائه دهند. رایس (۲۰۰۳) [۲۳] بیان می‌کند که شرکت‌ها در مواجهه با فشارهای اقتصادی در جهت منصرف کردن رقبا برای ورود به صنعت تلاش خواهند کرد.

داروغ (۱۹۹۳) [۱۳] اظهار می‌دارد که فعالان صنعت در جلوگیری از کاهش قیمت‌ها توسط رقبا تلاش می‌کنند و بدین منظور، بهای تمام شده را بیشتر از واقع گزارش می‌کنند، زیرا این کار هم رقبا را از کاهش دادن قیمت‌ها منصرف می‌کند و هم مصرف‌کننده و نهادهای حمایت از مصرف‌کننده را به افزایش قیمت‌ها متقاعد می‌کند. لیسو و همکاران (۱۹۹۸) [۲۱] بیان کردند افشای داوطلبانه اطلاعات تحت تاثیر رقابت به شدت کاهش می‌یابد.

کلینچ و ویکچیلیا (۲۰۰۱) [۲۶] در تحقیقی ارتباط بین رقابت در بازار و ارائه اطلاعات در رابطه با حجم تقاضای بازار را بررسی کردند. آنها دریافتند که شرکت‌ها در جهت خنثی کردن اخبار و علائم مساعد و برجسته کردن اخبار و علائم نامساعد تقاضای بازار

جدید و رقابت با رقبای موجود محافظه‌کاری حسابداری را در پیش می‌گیرند و بدین منظور، اخبار و اطلاعات خوب و مساعد را پوشش داده (در سود/ زیان دوره مورد نظر شناسایی نمی‌کنند) و اخبار و علامت نامساعد را برجسته می‌کنند (در سود/ زیان دوره مورد نظر شناسایی می‌کنند). محافظه‌کاری تصویر نامناسبی از وضعیت صنعت نشان می‌دهد و وضعیت نامناسب انگیزه رقبای بالقوه برای ورود به عرصه رقابتی را کاهش داده، بدین ترتیب فشارها و تهدیدات ناشی از ورود رقبای جدید کاهش می‌یابد. از طرف دیگر، شرکت‌ها در مقابله با رقبای بالفعل، بهای تمام شده محصولات را بیشتر از واقع گزارش می‌کنند و با این کار هم مشتری و هم نهادهای حمایت از مصرف‌کنندگان را به افزایش قیمت متقاعد کرده و هم رقبای را از کاهش دادن قیمت‌ها دلسرد می‌کنند. همچنین اخبار خوب مربوط به تقاضای بازار را پوشش داده، اخبار بد را برجسته می‌کنند که این کار هم به نوبه خود جلوی افزایش تولید رقبای موجود را گرفته، مانع کاهش قیمت‌ها می‌شود.

رقابت در بازار ابعاد متفاوتی دارد، از جمله مهمترین ابعاد قابلیت جانشینی کالاها، حجم تقاضا، میزان سرمایه‌گذاری لازم (شدت سرمایه‌گذاری)، نسبت تمرکز صنعت و تعداد شرکت‌های فعال در صنعت هستند. نخستین بعد قابلیت جانشینی است. در صورت بالا بودن قابلیت جانشینی کالاها گفته می‌شود محصول دارای شباهت‌های زیادی با دیگر محصولات قابل جانشین است و این محصولات می‌توانند به جای هم مصرف شوند و در این صورت تعداد مصرف‌کنندگان و تعداد تولیدکنندگان و حجم

و شرکت‌های نمونه تحقیق از بورس اوراق بهادار تهران از سال ۱۳۷۳ تا ۱۳۸۴ انتخاب شده بودند، نتیجه گرفت محافظه‌کاری در حسابداری به علت کاهش بازده دارایی‌ها و کاهش بازده نقدی دارایی‌ها کاهش پیدا می‌کند و نیز افزایش بدهی‌های بلندمدت باعث کاهش محافظه‌کاری به کار رفته در حسابداری می‌شود. مهرانی مرادی و اسکندر (۱۳۸۹) [۶] در تحقیقی به بررسی ارتباط بین مالکیت نهادی و حسابداری محافظه‌کارانه پرداختند. آنها بیان کردند که رویه‌های حسابداری محافظه‌کارانه، مدیران را از رفتار فرصت طلبانه باز داشته، قابلیت اتکای اطلاعات مالی را افزایش می‌دهد. برای این منظور، از مدل رگرسیونی با سو و بال و شیواکومار استفاده کردند و به این نتیجه رسیدند که با افزایش سطح مالکیت نهادی، تمایل شرکت‌ها به استفاده از رویه‌های محافظه‌کارانه بیشتر می‌شود. تنها تحقیق مرتبط با این موضوع توسط آقایان کردلر و شه‌ریاری (۱۳۸۸) [۳] صورت گرفته است. آنها در تحقیقی به بررسی رابطه بین هزینه سیاسی و میزان محافظه‌کاری اعمال شده از سوی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. در این تحقیق رابطه بین متغیرهای اندازه، درجه رقابت صنعت، شدت سرمایه‌گذاری، ریسک، مالکیت دولتی، و تمرکز مالکیت با محافظه‌کاری بررسی شد. نتایج تحقیق نشان داد که با افزایش اندازه، محافظه‌کاری کمتر می‌شود. در رابطه با ارتباط رقابت و محافظه‌کاری آنها اعتقاد دارند این فرضیه باید تکامل یابد.

فرضیه‌ها و مبانی نظری آن

همچنانکه اشاره شد، شرکت‌ها برای رهایی از تهدیدات و فشارهای رقابتی ناشی از ورود رقبای

۳- بین هزینه‌های ورودی (شدت سرمایه‌گذاری) و محافظه‌کاری مشروط در گزارشگری مالی ارتباط ارتباط منفی و معناداری وجود دارد.

۴- بین شدت تمرکز صنعت و محافظه‌کاری مشروط در گزارشگری مالی ارتباط منفی و معناداری وجود دارد.

۵- بین تعداد شرکت‌های فعال در یک صنعت و محافظه‌کاری مشروط در گزارشگری مالی ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد.

روش تحقیق

این تحقیق از جهت همبستگی و روش‌شناسی از نوع شبه تجربی و پس‌رویدادی و در حوزه تحقیقات اثباتی حسابداری است که با اطلاعات واقعی صورت می‌گیرد. این تحقیق از لحاظ ماهیت و اهداف از نوع کاربردی است. اطلاعات واقعی نیز از گزارش‌های مالی (صورت‌های مالی و یادداشت‌های همراه) استخراج شده است. برای گروه بندی شرکت‌ها در صنایع مختلف، طبقه بندی بورس در نظر گرفته شده است. در تجزیه و تحلیل اطلاعات نیز از مدل رگرسیونی چند متغیره استفاده می‌شود.

جامعه و نمونه آماری: در انجام این پژوهش از اطلاعات صنعت سال استفاده شده است. جامعه آماری شامل کلیه گروه‌های صنعت طبقه بندی شده در سایت بورس و اوراق بهادار با دوره زمانی ۱۳۸۰ لغایت ۱۳۸۸ است. تعداد گروه‌های صنعت در طبقه بندی مذکور ۳۷ گروه-صنعت است که با ضرب در سال‌های مورد بررسی تعداد جامعه آماری ۲۹۶ صنعت سال است. نمونه نیز با استفاده از نمونه گیری حذفی انتخاب شده است؛ بدین شکل که شرکت‌های

بازارها و در نتیجه شدت رقابت بیشتر خواهد بود. بعد دوم حجم تقاضاست. اندازه بزرگتر بازار در نتیجه تقاضای بیشتر ایجاد می‌شود و در نتیجه تقاضای بالا رقابت را نیز بیشتر می‌کند، زیرا تا زمانی که بازار اشباع نشده، برای ورود رقبای جدید انگیزه لازم وجود دارد. سومین بعد موانع ورود است. به علت اینکه منابع در اقتصاد محدود هستند، در صورتی که برای ورود رقبا حجم بالای سرمایه‌گذاری در دارایی‌های ثابت مورد نیاز باشد، رقبا انگیزه چندانی برای ورود نخواهند داشت، زیرا هزینه فرصت سرمایه‌گذاری بالاست. بعد چهارم نسبت تمرکز است. در صورتی که حجم عمده تولید و فروش (نسبت تمرکز) در صنایعی محدود به یک یا چند بازیگر باشد، شدت رقابت در این صنایع کمتر خواهد بود. آخرین بعد تعداد شرکت‌های فعال در هر یک از صنایع است. در صورتی که تعداد شرکت‌ها بیشتر باشد، رقابت بین آنها نیز بیشتر خواهد بود.

با توجه به مطالب ذکر شده، فرضیه کلی تحقیق را می‌توان به صورت زیر مطرح کرد:

بین شدت رقابت در بازار و محافظه‌کاری مشروط در گزارشگری مالی ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد.

با توجه به اینکه رقابت ابعاد متفاوتی دارد این فرضیه کلی می‌تواند با فرضیه‌های اختصاصی زیر تایید شود:

۱- بین قابلیت جانشینی کالاها و محافظه‌کاری مشروط در گزارشگری مالی ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد.

۲- بین اندازه بازار و محافظه‌کاری مشروط در گزارشگری مالی ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد.

حسابداری از تغییرات ثروت سهامداران است، در صورتی که بازدهی، برآورد بازار از این تغییرات است. او در ادامه بیان می‌کند که تفاوت این دو معیار در این است که هر دو نوع اخبار خوب و بد در بازدهی منعکس می‌شود، ولی به علت وجود محافظه‌کاری، اخبار بد بموقع‌تر از اخبار خوب در سود منعکس می‌شود. باسودر سال ۱۹۹۷ مدل رگرسیونی خود را به صورت زیر ارائه کرد:

$$EARN_t = \alpha_0 + \beta_0 * DUM_{it} + \beta_1 * RET_{it} + \beta_2 * (DUM_{it} * RET_{it}) + \varepsilon$$

در این مدل i و t بیانگر شرکت i ام در دوره زمانی t و $EARN$ ، نسبت سود/ زیان قبل از اقسام غیر مترقیه است که با استفاده از ارزش بازار حقوق صاحبان در ابتدای دوره همگن شده است، و RET ، حاصل بازدهی سرمایه و بازدهی سود ناشی از خرید و نگهداری اوراق سهام، و DUM ، متغیر مصنوعی است که در صورتی که بازدهی مثبت باشد، برابر صفر و برای بازده‌های منفی برابر یک خواهد بود.

در رابطه رگرسیونی ذکر شده β_1 پاسخ سود را نسبت به بازده‌های مثبت اندازه‌گیری می‌کند. $\beta_1 + \beta_2$ پاسخ سود را نسبت به بازده‌های منفی اندازه‌گیری می‌کنند. در صورتی که $\beta_1 + \beta_2$ بزرگتر از β_1 باشد؛ یعنی $\beta_2 > 0$ ، در این صورت محافظه‌کاری وجود دارد. باسو ضریب β_2 را معیار عدم تقارن زمانی سود نامید. بدین ترتیب، معیار عدم تقارن زمانی در شناسایی سود و زیان را به عنوان معیاری برای اندازه‌گیری محافظه‌کاری معرفی نمود و در مقاله منتشره خود در سال (۲۰۰۵) [۹] بیان کرد این مدل فقط محافظه‌کاری مشروط را اندازه‌گیری می‌کند.

عضو هر گروه صنعت باید ویژگی‌های زیر را داشته باشند.

- ۱- سال مالی شرکت‌ها منتهی به ۲۹ اسفند باشد؛
 - ۲- شرکت‌ها نباید سال مالی خود را تغییر داده باشند؛
 - ۳- شرکت‌ها از اعضای هولدینگ صنایع نباشند، زیرا ماهیت آنها با سایر شرکت‌های عضو متفاوت است؛
 - ۴- به علت نیاز به بازدهی ۱۲ ماهه (اول تیر تا پایان خرداد سال بعد) و با در نظر گرفتن وقفه زمانی ۴ ماهه نسبت به ابتدا و انتهای هر دوره؛ معامله‌ای بر روی اوراق بهادار (سهام عادی) شرکت صورت گرفته باشد؛ و
 - ۵- اطلاعات آنها در دسترس باشد.
- پس از حذف شرکت‌های فاقد شرایط مذکور، هر صنعت-گروه باید حداقل سه عضو داشته باشد، زیرا در این صورت رقابت بهتر می‌شود. علاوه بر این، گروه‌های صنعتی که جزو واسطه‌گری مالی هستند، نیز حذف شده‌اند. در پایان تعداد ۱۵۵۹ شرکت-سال که در ۱۴۱ صنعت-سال طبقه‌بندی شده‌اند، باقی مانده است.

مدل‌های آزمون فرضیات تحقیق

برای بررسی ارتباط بین ساختارهای رقابتی و محافظه‌کاری مشروط ابتدا باید وجود محافظه‌کاری مشروط اثبات شود. باسو (۱۹۹۷) [۹] بیان می‌کند، بازدهی بازار بازدهی حسابداری (سود حسابداری به ارزش ابتدای دوره حقوق صاحبان سهام)، هر دو معیاری برای اندازه‌گیری تغییرات ایجاد شده در ثروت سهامداران هستند. معیار سود، حاصل برآورد

مدل مورد استفاده برای آزمون ارتباط بین ساختارهای رقابتی و محافظه کاری مشروط

در بیشتر تحقیقات برای مطالعه عوامل مؤثر بر روی محافظه کاری ساختارهایی را به مدل باسو (۱۹۹۷) [۹] اضافه شده^۱ و بدین ترتیب، پاسخ آن عوامل به سود بررسی شده است. با طراحی مشابه مدل فلسام (۲۰۰۹) [۱۶] در این تحقیق نیز عوامل تبیین کننده ساختارهای رقابتی محصولات به مدل باسو اضافه و مدل زیر استفاده شده است. شایان ذکر است که ابعاد رقابت در نظر گرفته شده در الگوی فلسام چهار مورد بوده که در این تحقیق بعد پنجم (تعداد شرکت‌های فعال در هر یک از صنایع) نیز افزوده شده است.

$$I - EARN = \alpha_0 + \beta_0 * I - DUM + \beta_1 * COMP_{it} + \beta_2 * I - CONTROLS_{it} + \beta_3 * (I - DUM_{it} * COMP_{it}) + \beta_4 * (I - DUM_{it} * I - CONTROLS_{it}) + \beta_5 * I - RET_{it} + \beta_6 * (I - RET_{it} * COMP_{it}) + \beta_7 * (I - RET_{it} * I - CONTROLS_{it}) + \beta_8 * (I - DUM_{it} * I - RET_{it}) + \beta_9 * (I - DUM_{it} * I - RET_{it} * COMP_{it}) + \beta_{10} * (I - DUM_{it} * I - RET_{it} * I - CONTROLS_{it}) + e$$

در این مدل، حرف I بیانگر این است که متغیرها در سطح صنایع هستند. در صورت معنی دار بودن ضریب β_0 وجود ارتباط بین ساختارهای رقابتی محصولات و محافظه کاری مشروط اثبات می‌شود، زیرا این موضوع نشان دهنده این است که پاسخ سود / زیان در شرایط رقابتی، نسبت به اخبار و علائم بد)

بازده‌های منفی) قویتر از اخبار و علائم خوب و مساعد (بازده‌های مثبت) است.

متغیرهای پژوهش

متغیر وابسته. در این پژوهش متغیر وابسته ($I - EARN$) بازدهی حسابداری صنایع، سودها / زیان‌های قبل از ارقام غیر مترقبه شرکت‌های عضو هر یک از گروه‌های صنایع تقسیم بر ارزش بازار حقوق صاحبان سهام صنایع است.

متغیرهای مستقل

بازدهی صنایع ($I - RET_{it}$): نشان دهنده بازدهی دوازده ماهه (ابتدای تیر تا پایان خرداد) هریک از صنایع است. این متغیر حاصل جمع ارزش بازار حقوق صاحبان سهام تک تک شرکت‌های عضو یک گروه-صنعت بعلاوه مجموع سود تقسیمی آنها پس از کسر ارزش بازار ابتدای دوره و افزایش نقدی سرمایه به ارزش بازار حقوق صاحبان سهام صنایع در ابتدای دوره است. دلیل تاخیر سه ماهه در بازدهی بازار نسبت به بازدهی حسابداری این است که اطلاعات افشا شده حسابداری معمولاً با تاخیر سه ماهه در بازار منتشر و در قیمت‌ها تاثیر می‌گذارند. لذا برای متناسب سازی بازدهی بازار با بازدهی حسابداری هر دوره، بازدهی بازار با تاخیر سه ماهه محاسبه شده است.

رقابت ($COMP_{it}$): برای آزمون فرضیات اختصاصی $COMP_{it}$ ؛ برابر ابعاد پنجگانه رقابت و برای آزمون فرضیه کلی؛ $COMP_{it}$ برابر نمره ترکیبی ($COMP_SCOER$) خواهد بود که در ادامه به نحوه محاسبه آنها پرداخته می‌شود.

¹ LaFond and Roychowdhury 2008; LaFond and Watts 2008

متغیر مصنوعی ($I - DUM$): برابر ۱ برای صنایعی که بازده منفی دارند و در غیر این صورت صفر.

اندازه گیری ابعاد پنجگانه رقابت

قابلیت جانشینی محصولات (DIFF): برای به دست آوردن قابلیت جانشینی کالاها از نسبت درآمد به هزینه‌های عملیاتی استفاده شده است. پایین بودن این نسبت معلول رقابت شدید در بازار است، زیرا در بازارهای رقابتی رقبا برای فروش تولیدات خود و افزایش سهم بازار تولیدات، قیمت را کاهش داده، برای جلوگیری از ورود رقبای جدید و متقاعد کردن مصرف کننده به افزایش قیمت‌ها، بهای تمام شده خود را بیشتر از واقع نشان می‌دهند. این موضوع باعث کاهش نسبت درآمد به هزینه‌های عملیاتی خواهد بود. درآمدها و هزینه‌های عملیاتی هر یک از گروه‌های صنعت حاصل جمع درآمدها و هزینه‌های عملیاتی تک تک شرکت‌های عضو آن گروه است. در نتیجه، مقادیر پایین DIFF بیانگر رقابت شدید در بازار به علت قابلیت بالای جانشینی محصولات خواهد بود.

اندازه بازار (MKSIZE): اندازه بزرگ بازار معلول تقاضای بزرگ بازار است. تقاضای بزرگ انگیزه لازم برای ورود رقبای جدید را فراهم می‌کند. بنابراین، فروش صنایع، که حاصل جمع فروش تک تک شرکت‌های عضو صنایع است، متغیر مناسبی برای این بعد محسوب می‌شود. فروش صنایع دارای چولگی بیشتر به سمت راست است که برای رفع آن از مقادیر فروش صنایع لگاریتم طبیعی گرفته شده است. بر اساس تئوری‌های اقتصادی گفته می‌شود صنایعی که

مقادیر MKSIZA بیشتری دارند، با رقابت شدید نیز روبه رو هستند.

موانع ورود به بازار (PPE_ENCOST): از جمله مهمترین موانع ورود به بازار حجم بالای سرمایه گذاری مورد نیاز در بخش دارایی‌های ثابت است. این متغیر حاصل تقسیم دارایی‌های ثابت صنایع به کل دارایی‌ها؛ به غیر از سرمایه گذاری‌ها خواهد بود. صنایعی که مقادیر کمتر (PPE_ENCOST) دارند، با رقابت شدید در بازار نیز روبه رو هستند.

نسبت تمرکز در صنایع (HINDEX): برای محاسبه نسبت تمرکز صنعت نیز مدل ساده‌ای وجود دارد که از آن به عنوان شاخص هرfindahl_هرishمن^۱ یاد می‌شود. این شاخص برای هر یک از صنایع، حاصل جمع مجذورات سهم از بازار هر یک از شرکت‌ها خواهد بود؛ یعنی $(HINDEX = \sum_{i=1}^N S_i^2)$ که در آن N تعداد شرکت‌های حاضر در صنعت، و S_i سهم بازار فروش هر شرکت در سال مورد نظر خواهد بود. سهم بازار فروش هر شرکت، حاصل تقسیم فروش شرکت به فروش کل صنعت است. مقادیر کمتر HINDEX رقابت شدید در بازار را نشان می‌دهد.

تعداد شرکت‌های فعال در صنعت (NFIRMS): این متغیر حاصل لگاریتم طبیعی تعداد شرکت‌های فعال در هر یک از صنایع خواهد بود. مقادیر بالاتر این متغیر بیانگر رقابت بالا در صنایع خواهد بود.

نمره رقابت (COMP_SCOER): با ترکیب پنج بعد اشاره شده در بالا، یک متغیر ترکیبی برای سنجش رقابت و آزمون فرضیه کلی به دست می‌آید. نحوه عمل بدین صورت است که ابتدا دهک‌های اعداد به

¹ Herfindahl-Hirschman

سود با بالا بودن اهرم، تقاضا برای محافظه کاری نیز بیشتر است. احمد و همکاران (۲۰۰۲) [۶] و کمیته مطالعاتی اراسموس (۲۰۱۰) [۱۹].

نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری صنایع (I_MTB): رایان (۲۰۰۶) [۲۵] بیان کرد در صورت وجود محافظه کاری نامشروط، دیگر محافظه کاری مشروط در کار نخواهد بود. برای مثال، در صورتی که مخارج تحقیق و توسعه به عنوان هزینه و نه به عنوان دارایی شناسایی شوند؛ دیگر دارایی نخواهیم داشت که در صورت وجود علائم بد (کاهش ارزش) هزینه شناسایی کنیم. وجود محافظه کاری نامشروط به اختلاف فاحش ارزش بازار نسبت به ارزش دفتری خواهد بود. با این حساب، انتظار داریم در صورت بالا بودن ارزش بازار به ارزش دفتری، محافظه کاری مشروط کمتر باشد.

یافته‌های پژوهش: آمار توصیفی

آمار توصیفی تحقیق در نگاره (۱) خلاصه شده است. همچنانکه مشاهده می‌شود، تعداد صنعت سال بررسی شده ۱۴۱ عدد است. سایر اطلاعات شامل حداقل، حداکثر، میانگین و انحراف معیار متغیرها در نگاره آمده است. در این پژوهش انعکاس اخبار خوب و بد در بازدهی حسابداری با بازدهی بازار، در شرایط رقابتی مقایسه شده است. لذا بازدهی حسابداری و بازدهی اقتصادی از متغیرهای اساسی پژوهش هستند. طبق اطلاعات نگاره میانگین بازدهی حسابداری ۰/۱۴ با انحراف معیار ۰/۱۰ است که در مقایسه با بازدهی بازار با میانگین ۰/۲۳ و انحراف معیار ۰/۵۱، مقادیر کمتری را اختیار کرده است.

دست آمده برای هر یک از ابعاد رقابت محاسبه می‌شود. مقادیر پایین PP_ENCOST، DIFF و HINDEX گویای رقابت شدید در بازار هستند، بنابراین، به پایین‌ترین دهک هر یک از آنها نمره ۱۰ و به دهک دوم نمره ۹ و... به دهک دهم نمره ۱ اختصاص می‌یابد. به علت اینکه مقادیر بالای MKSIZE و NFIRMS نشان دهنده رقابت بیشتر بودند، لذا نحوه عمل برای این دو متغیر عکس خواهد بود (به دهک دهم نمره ۱۰ و... با جمع این نمره‌ها برای هر یک از صنایع و تقسیم آن به عدد ۵۰ (بالاترین نمره ممکن) نمره ترکیبی (COMP_SCOER) به دست می‌آید. بدین ترتیب، مقادیر بالاتر این متغیر گویای رقابت شدید هستند.

متغیرهای کنترلی

همچنانکه بیان شد، عوامل متعددی برای تقاضا محافظه کاری مشروط وجود دارد. علاوه بر رقابت؛ منابع دیگری نیز تقاضا کننده محافظه کاری مشروط هستند که در قالب متغیرهای کنترلی آورده شده‌اند.

اندازه صنایع (I_MAV): برا اساس فرضه سیاسی زیمرمن (۱۹۸۳) [۲۹]؛ شرکت‌های بزرگ برای جلوگیری از مورد توجه قرار گرفتن؛ محافظه کاری بیشتری را در پیش خواهند گرفت. البته، دیدگاه مقابل این دیدگاه هم توسط رایان (۲۰۰۶) [۲۵] به این صورت بیان شده است که در شرکت‌های کوچک و تازه تاسیس به علت بالا بودن مشکل نمایندگی تقاضا برای محافظه کاری هم بیشتر است.

اهرم صنایع (I_LEV): به علت وجود کشمکش بین سهامداران و بستانکاران در حوزه سیاست تقسیم

میانگین نمره رقابت هم ۰/۵۵ بوده که با انحراف معیار ۰/۲ می‌توان گفت میزان معقولی از نوسان را داشته است که بتوان تحلیل‌های لازم را انجام داد. شایان ذکر است برای رعایت اختصار از آوردن متغیرهایی که حاصلضرب متغیرهای اصلی بودند، خودداری شده است.

علاوه بر این، همچنانکه قبلاً هم توضیح داده شد، متغیر ترکیبی نمره رقابت حاصل ترکیب ابعاد پنجگانه رقابت (قابلیت جانشینی، حجم تقاضا، سرمایه‌گذاری در دارایی‌های ثابت، نسبت تمرکز و تعداد شرکت‌های فعال در هریک از این صنایع) است. همچنانکه مشاهده می‌شود، حداقل و حداکثر مقدار متعلق به این متغیر به ترتیب ۰/۲ و ۰/۹۷ است.

نگاره (۱) آمار توصیفی

نام متغیر	نماد	تعداد مشاهده صنعت-سال	حداقل	حداکثر	میانگین	انحراف معیار
سود/زیان	I_EARN	۱۴۱	-۰/۴۰	۰/۴۵	۰/۱۴۶	۰/۱۰۴
بازدهی	I_RET	۱۴۱	-۰/۷۲	۲/۲۱	۰/۲۳۱	۰/۵۱۰
متغیر مصنوعی	I_DUM	۱۴۱	۰/۰۰	۱/۰۰	۰/۳۵۴	۰/۴۸۰
قابلیت جانشینی	DIFF	۱۴۱	۰/۷۷	۳/۱۳	۱/۳۲۸	۰/۳۳۸
حجم تقاضا	MKSIZE	۱۴۱	۱۴/۱۰	۲۰/۶۰	۱۵/۷۹۸	۱/۲۲۴
سرمایه‌گذاری در دارایی‌های ثابت	PPE_ENTCOST	۱۴۱	۰/۰۴	۰/۷۶	۰/۲۸۰	۰/۱۵۲
نسبت تمرکز	HINDEX	۱۴۱	۰/۰۱	۰/۸۰	۰/۱۱۱	۰/۱۵۸
ارزش بازار	I_MAK	۱۴۱	۱۱/۶۹	۱۹/۰۰	۱۵/۲۲۵	۱/۵۷۸
اهرم	I_LEV	۱۴۱	۰/۰۰	۰/۳۵	۰/۰۷۹	۰/۰۸۰
ارزش بازار به دفتری	I_MTB	۱۴۱	-۲/۰۳	۳۱/۳۲	۳/۳۴۵	۴/۰۹۶
نمره رقابت	COMP_SCOER	۱۴۱	۰/۲۰	۰/۹۷	۰/۵۵۵	۰/۲۰۷
تعداد شرکت‌ها در هر صنعت	N_FIRMS	۱۴۱	۱/۱۰	۳/۵۸	۲/۸۲۶	۰/۶۲۵

ارتباط مثبت، ولی بی‌معنی است. در تفسیر ارتباط مثبت بین نمره رقابت و سود می‌توان نوشت که با سود آور بودن صنایع رقبای بیشتر نیز جذب صنایع شده‌اند، و در توجیه بی‌معنی بودن این ارتباط باید گفت که برای مقابله با تشدید رقابت، این صنایع محافظه‌کاری در ارائه سود را در پیش می‌گیرند و سود بیشتری گزارش نمی‌کنند، اما آنچه که صورت ایده‌آل در نگاره مشاهده می‌شود، اینکه بین ابعاد پنجگانه رقابت با نمره رقابت (COMP_SCOER) در همه موارد، به جز قابلیت جانشینی، نوع ارتباط مطابق انتظار و معنادار است. این مورد نشان دهنده

نگاره (۲) ضرایب همبستگی پیرسون بین متغیرها را نشان می‌دهد. در این نگاره نیز از ذکر بقیه متغیرهای مدل که حاصلضرب متغیرهای اصلی هستند، خودداری شده است. همچنانکه در نگاره مشخص است، ارتباط بین سود حسابداری و بازده مثبت و معنادار است. علاوه بر این، ارتباط بین نسبت فروش به هزینه‌های عملیاتی، حجم تقاضا، حجم سرمایه‌گذاری در اموال ماشین‌آلات و تجهیزات، نسبت تمرکز و اندازه شرکت نیز مثبت و معنادار است. بین نمره رقابت صنایع، اهرم صنایع و نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری، با سود حسابداری

این است که ابعاد انتخاب شده برای سنجش رقابت از اعتبار کافی برخوردارند.

نگاره (۲) ضرایب همبستگی و سطوح معنا داری

متغیر \ متغیر	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
متغیر	۱												
I_EARN	۱												
I_RET	۰/۴۴**	۱											
I_DUM	-۰/۲۳**	-۰/۶۵**	۱										
DIFF	۰/۱۹*	۰/۱۸*	-۰/۰۷	۱									
MKSIZE	۰/۳۳**	۰/۰۷	-۰/۰۹	۰/۰۹	۱								
PPE_ENTC OST	۰/۳۳**	-۰/۰۱	۰/۰۶	۰/۳۲**	-۰/۰۱	۱							
HINDEX	۰/۲۳**	۰/۰۷	-۰/۰۷	۰/۰۰	-۰/۰۳	۰/۱۱	۱						
COMP_SC OER	۰/۱۴	۰/۰۰	۰/۰۰	-۰/۰۶	۰/۶۲**	-۰/۵۲**	-۰/۳۲**	۱					
N_FIRMS	۰/۰۰	-۰/۱۱	۰/۱۰	-۰/۰۷	۰/۵۵**	-۰/۱۳	-۰/۵۲**	۰/۷۷**	۱				
I_MAK	۰/۲۷**	۰/۲۷**	-۰/۱۹*	۰/۵۴**	۰/۷۱**	۰/۰۸	۰/۱۰	۰/۴۱**	۰/۳۳**	۱			
I_LEV	۰/۱۵	-۰/۰۶	۰/۱۴	۰/۰۳	-۰/۰۲	۰/۵۶**	۰/۰۰	-۰/۱۹*	۰/۰۷	۰/۰۰	۱		
I_MTB	۰/۱۳	۰/۳۶**	۰/۱۷*	۰/۳۶**	-۰/۱۲	-۰/۰۲	-۰/۰۶	-۰/۰۶	-۰/۰۴	۰/۲۶**	۰/۰۰	۱	

** در سطح ۱٪ معنا دار * در سطح ۵٪ معنادار

بررسی فروض کلاسیک

قبل از ارائه یافته باید فروض کلاسیک رگرسیون بررسی شود. فروض کلاسیک به شرح زیر بررسی شده است:

۱. میانگین خطاها برابر صفر است. در صورتی که یک جمله ثابت در رگرسیون داشته باشیم، این فرض هرگز نقض نخواهد شد. پس به علت وجود عرض از مبدا این فرض نقض نشده است [۱].

۲. واریانس خطاها همسان باشد. برای این منظور، از آزمون وایت استفاده شده است که نشان از نبود ناهمسانی واریانس بود.

۳. توزیع خطاها نرمال باشد. برای نرمال بودن توزیع مانده‌ها، در نرم افزارهایی چون SAS و

SPSS آزمون خاصی ارائه نمی شود و صرفاً از طریق اسکتر پلات ها نحوه توزیع باقیمانده و نرمال بودن آن مورد قضاوت قرار می گیرد. در این تحقیق نیز از این روش استفاده شده است.

۴. بین خطاها همبستگی وجود ندارد. باتوجه به اینکه آماره دورین_واتسون نزدیک ۲ است.

۵. متغیرهای مستقل از همدیگر مستقل باشند. بهترین راه برای شناسایی مشکل همخطی این است که R^2 بسیار بالا باشد، ولی هیچ یک از ضرایب متغیرهای مستقل، بر اساس آزمون t معنادار نباشند. نگاره (۴) نشان می‌دهد که متغیرهای مستقل از همدیگر استقلال دارند [۱].

نگاره (۳) آزمون مدل باسو (۱۹۹۷)

$EARN_t = \alpha_0 + \beta_0 * DUM_{it} + \beta_1 * RET_{it} + \beta_2 * (DUM_{it} * RET_{it}) + \varepsilon$			
	پیش بینی علامت	بتا (غیر استاندارد)	آماره آزمون
مقدار ثابت	+/-	۰/۱۶۰۵	۱۴/۳۹۲***
DUM	+/-	-۰/۰۳۵۸	-۱/۹۰۸**
RET	+	۰/۰۵۱	۳/۹۳۳***
DUM*RET	+	۰/۱۴۸	۵/۷۳۴***
اطلاعات مدل	$R^2 = ۰/۱۱$ تعدیل شده		
	آماره دوربین واتسون = ۱/۸۴		
	آماره f (anova) = ۷۱/۲۲ ***		
سطوح معناداری	*** در سطح ۱٪، ** در سطح ۵٪ و * در سطح ۱۰٪		

آزمون مدل‌ها

(۲۰۰۹) [۱۶]، (باسو (۱۹۹۷) [۹]؛ واتس (۲۰۰۳) [۲۷]؛ احمد (۲۰۰۲) [۶] و بیور و رایان (۲۰۰۵) [۱۲] نیز این موضوع را اثبات کرده‌اند.

پس از اثبات وجود محافظه‌کاری مشروط ارتباط بین ساختارهای رقابتی و محافظه‌کاری مشروط بررسی می‌شود. نتایج در نگاره (۴) خلاصه شده است. در مدل اول ارتباط بین ابعاد رقابت (فرضیات اختصاصی) و محافظه‌کاری مشروط حسابداری بررسی شده است. در مدل دوم، ارتباط بین رقابت (فرضیه کلی) و محافظه‌کاری مشروط حسابداری ارزیابی شده است.

همان طور که در نگاره (۳) مشخص است، فرض وجود محافظه‌کاری مشروط در بورس اوراق بهادار تهران با سطح اطمینان ۹۹/۹۹ درصد تایید می‌شود، زیرا ضریب $DUM_{it} * RET_{it}$ مثبت و معنی دار است و این نشان دهنده این است که پاسخ سود/ زیان به اخبار و علایم بد (بازده‌های منفی) قویتر از پاسخ آن به اخبار و علائم مساعد (بازده‌های مثبت) است. این یافته با نتایج کارهای داخلی از قبیل محرومی (۱۳۸۸) [۴]، رضازاده و آزاد (۱۳۸۸) [۲] همخوانی دارد. اکثر تحقیقات خارجی از قبیل فلسام

نگاره (۴) آزمون ارتباط بین ساختارهای رقابتی و محافظه‌کاری مشروط حسابداری

$I - EARN = \alpha_0 + \beta_0 * I - DUM + \beta_1 * COMP_{it} + \beta_2 * I - CONTROLS_{it} + \beta_3 * (I - DUM_{it} * COMP_{it}) + \beta_4 * (I - DUM_{it} * I - CONTROLS_{it}) + \beta_5 * I - RET_{it} + \beta_6 * (I - RET_{it} * COMP_{it}) + \beta_7 * (I - RET_{it} * I - CONTROLS_{it}) + \beta_8 * (I - DUM_{it} * I - RET_{it}) + \beta_9 * (I - DUM_{it} * I - RET_{it} * COMP_{it}) + \beta_{10} * (I - DUM_{it} * I - RET_{it} * I - CONTROLS_{it}) + \varepsilon$					
مدل اول			مدل دوم		
Comp= DIFF, MKSIZE, PPE_ENTCOST, HINDEX & N-FIRMS CONTROLS= I_MAK, I_LEV & I_MTB			CIMP=COMP_ECIER CONTROLS= I_MAK, I_LEV & I_MTB		
عنوان متغیرها	علامت پیش‌بینی شده	بتا (غیر استاندارد)	آماره آزمون	بتا (غیر استاندارد)	آماره آزمون
مقدار ثابت	+/-	-۰/۲۶۱	-۱/۶۷۱*	۰/۱۰۴	۱/۱۳۷
I_DUM	+/-	-۰/۶۳۸	-۱/۸۹۸*	-۰/۸۳۷	-۳/۳۳۳***
DIFF	+/-	۰/۱۹۰	۲/۵۶۷**	-	-
MKSIZE	+/-	۰/۰۳۸	۲/۴۱۱**	-	-

بررسی ارتباط بین ساختارهای رقابتی محصولات و محافظه کاری مشروط حسابداری / ۵۵

PPE_ENTCOST	+/-	-۰/۱۴۵	-۱/۳۱۴	-	-
HINDEX	+/-	۰/۱۳۱	۱/۳۸۷	-	-
N_FIRMS	+/-	۰/۰۰۱	۰/۷۱۴	-	-
COMP_SCOER	+/-	-	-	۰/۰۳۶	۰/۵۷۳
I_MAK	+/-	-۰/۰۲۷	-۱/۶۶۵*	۰/۰۰۳	۰/۴۵۹
I_LEV	+/-	۰/۳۶۹	۱/۵۸۶	۰/۱۰۰	۰/۴۶۲
I_MTB	+/-	-۰/۰۱	-۲/۶۱۳**	-۰/۰۰۹	-۲/۴۴۸**
I_DUM*DIFF	+/-	۰/۳۶۹	۲/۴۶۶**	-	-
I_DUM*MKSIZE	+/-	۰/۰۵۵	۱/۲۷۲	-	-
I_DUM*PPE_ENTCOST	+/-	-۰/۰۸۸	-۰/۳۷۵	-	-
I_DUM*HINDEX	+/-	۰/۳۲۷	۱/۶۹۹*	-	-
I_DUM*FIRM	+/-	۰/۰۰۲	۰/۶۷۳	-	-
I_DUM*COMP	+/-	-	-	-۰/۰۳۷	-۰/۳۰۶
I_DUM*I_MAK	+/-	-۰/۰۴۹	-۱/۱۸۳	۰/۰۴۸	۲/۹۶۵**
I_DUM*I_LEV	+/-	۰/۲۵۸	۰/۶۵۲	۰/۱۴۸	۰/۴۵۶
I_DUM*I_MTB	+/-	۰/۰۰۷	۰/۶۳۸	۰/۰۰۴	۰/۴۹۳
I_RET	+	۰/۱۷۶	۰/۶۸۰	۰/۰۹۸	۱/۳۴۲
I_RET*DIFF	+/-	-۰/۱۴۵	-۱/۶۲۶	-	-
I_RET*MKSIZE	+/-	۰/۰۳۴	۱/۰۸۱	-	-
I_RET*PPE_ENTCOST	+/-	۰/۲۰۰	۰/۹۹۸	-	-
I_RET*HINDEX	+/-	۰/۰۷۲	۰/۴۷۱	-	-
I_RET*NFIRM	+/-	-۰/۰۰۱	-۰/۴۸۸	-	-
I_RET*COMP	+/-	-	-	-۰/۰۰۹	-۰/۰۸۶
I_RET*I_MAK	+/-	-۰/۰۳۱	-۰/۹۵۵	-۰/۰۱۱	-۰/۶۸۳
I_RET*I_LEV	+/-	-۰/۷۲۵	-۱/۶۵۲	-۰/۱۸۸	-۰/۴۷۸
I_RET*I_MTB	+/-	۰/۰۰۹	۱/۶۴۳	۰/۰۰۰	-۰/۰۲۹
I_DUM*I_RET	+	۳/۵۳۶	۳/۱۰۸**	۰/۸۵۰	۱/۳۰۷*
I_DUM*I_RET*DIFF	-	۱/۳۵۹	۴/۳۳۷***	-	-
I_DUM*I_RET*MKSIZE	+	۰/۴۴۲	۲/۰۴۷**	-	-
I_DUM*I_RET*PPE_ENTCOST	-	-۲/۳۶۴	-۲/۱۱۰**	-	-
I_DUM*I_RET*INDEX	-	-۱/۱۱۲	-۱/۶۶۹*	-	-
I_DUM*I_RET*NFIRM	+	۰/۰۱۹	۱/۹۶۹**	-	-
I_DUM*I_RET*COMP	+	-	-	۰/۹۶۷	۲/۱۲۲**
I_DUM*I_RET*I_MAK	+/-	-۰/۳۴۲	-۱/۷۶۰*	۰/۰۰۸	۰/۱۶۲
I_DUM*I_RET*I_LEV	+	۸/۱۵۸	۴/۷۸۷***	۳/۸۸۰	۳/۱۳۲**
I_DUM*I_RET*I_MTB	+	۰/۰۳۹	۰/۶۱۷	۰/۰۱۶	۰/۴۰۳
اطلاعات مدل	R ² تعدیل شده = ۰/۵۳			R ² تعدیل شده = ۰/۵۰۳	
	آماره دوربین واتسون = ۲/۱۴			آماره دوربین واتسون = ۱/۹۲	
	آماره f (anova) = ۵/۶۰ ***			آماره f (anova) = ۶/۴۳ ***	
سطوح معناداری	*** در سطح ۱٪، ** در سطح ۵٪ و * در سطح ۱۰٪				

موضوع خود عاملی برای تشدید رقابت است^۱. علاوه بر این، با بالا بودن سود عملیاتی، نرخ مالیاتی بیشتری در انتظار شرکت خواهد بود و یا شرکت، مورد توجه مقامات سیاسی قرار خواهد گرفت. لذا برای به حداقل رساندن این تهدیدات صنایعی که سود عملیاتی بیشتری دارند، محافظه‌کاری مشروط حسابداری را بیشتر به کار می‌بندند. این یافته با نتایج یافته‌های دهالیوال، هوانق، کارونا و پیرا (۲۰۰۸) [۱۵] و تحقیق فلسام (۲۰۰۹) [۱۶] مغایرت دارد.

بین حجم تقاضای بازار و محافظه‌کاری مشروط حسابداری ضریب (I_DUM.I_RET.MKSIXE) ارتباط مثبت معناداری (در سطح اطمینان ۹۵٪) وجود دارد؛ بدین معنا که در صورت بالا بودن حجم تقاضا، فعالین بازار برای کاهش انگیزه رقبای بالقوه از ورود به بازار رقابتی، محافظه‌کاری مشروط حسابداری را در پیش می‌گیرند. بنابراین، فرضیه اختصاصی دوم تایید می‌شود. این یافته با نتایج تحقیق کارونا (۲۰۱۰) [۱۸] و فلسام (۲۰۰۹) [۱۶] مطابقت دارد.

بین موانع ورود (حجم سرمایه گذاری در دارایی‌های ثابت) و محافظه‌کاری مشروط حسابداری ضریب (I_DUM.I_RET.PPE_ENTCOST) ارتباط منفی و معناداری (در سطح اطمینان ۹۵٪) وجود دارد؛ بدین معنا که فرضیه اختصاصی سوم

در نگاره (۴) و در قسمت اول (مدل اول) ارتباط بین ابعاد رقابت و محافظه‌کاری مشروط آزمون شده است. همان‌طور که قبلاً هم اشاره شده، ابعاد رقابت شامل قابلیت جانشینی محصولات، حجم تقاضا، موانع ورود، نسبت تمرکز، و تعداد شرکت‌های فعال در صنعت است.

همچنانکه در نگاره و در قسمت مدل اول مشخص شده است، قدرت توضیح دهنده‌ی مدل بالا بوده، آماره دوربین-واتسون هم بیانگر نبود مشکل خود همبستگی است. آماره F نیز نشان دهنده معنی‌دار بودن و خطی بودن رگرسیون در سطح ۹۹/۹۹ درصد است.

در نگاره (۴) مشخص است که ضریب I_DUM.I_RET.DIFF مثبت و معنادار است (در سطح اطمینان ۹۹٪). یعنی بین قابلیت جانشینی محصولات و محافظه‌کاری مشروط حسابداری رابطه معکوس و معنی‌دار مشاهده می‌شود. (مقادیر پایین DIFF (نسبت فروش به هزینه‌های عملیاتی) گویای قابلیت بالای جانشینی محصولات بود) این برخلاف انتظار ما است، زیرا پیش‌بینی ما وجود ارتباط مثبت بین قابلیت جانشینی با محافظه‌کاری مشروط بود (انتظار داشتیم مقادیر پایین DIFF با مقادیر بالای محافظه‌کاری مشروط مرتبط باشند). با این حساب، عکس فرضه اختصاصی اول تایید می‌شود. دلیل این موضوع به این صورت قابل توجیه است که در صورت بالا بودن نسبت فروش به هزینه‌های عملیاتی (DIFF)، سود عملیاتی شرکت بالا بوده، در نتیجه این

^۱ در تدوین فرضیه اختصاصی اول بیان شد، رقابت شدید باعث کاهش نسبت فروش به هزینه‌های عملیاتی (DIFF) می‌شود؛ بدین معنی که پایین بودن مقدار DIFF معلول رقابت شدید در بازار است، اما آنچه از نتایج آزمون مشخص می‌شود، این است که بالا بودن مقدار DIFF خود علت تشدید رقابت است. این مورد می‌تواند چنین تفسیر شود که با افزایش سود عملیاتی (DIFF)، بازیگران برای کاهش فشارهای رقابتی، محافظه‌کاری مشروط بیشتری در پیش می‌گیرند.

کارونا (۲۰۱۰) [۱۸] و فلسام (۲۰۰۹) [۱۶] مشابه است.

سایر یافته‌های پژوهش

بین اندازه صنایع و محافظه کاری مشروط حسابداری ارتباط معقولی دیده نمی‌شود. البته، در مدل اول ارتباط ضعیفی (در سطح اطمینان ۹۰٪) بین اندازه شرکت و محافظه کاری مشروط مشاهده می‌شود، اما در مدل دوم این رابطه مثبت ولی بی‌معنی است. کردلر و شهریاری (۱۳۸۸) [۳] در بررسی ارتباط بین محافظه کاری و هزینه‌های سیاسی به ارتباط معکوسی بین آن دو دست پیدا کرد. آنها بیان کردند، شرکت‌های بزرگ هزینه سیاسی بیشتری دارند، اما رایان (۲۰۰۶) [۲۵] اظهار می‌کند که به علت بالا، مسأله نمایندگی در شرکت‌های کوچک تقاضا برای محافظه کاری در این گونه شرکت‌ها نیز بیشتر است. به هر حال، این فرضیه نیاز به تکامل دارد و هنوز در مراحل ابتدائی کار هستیم.

بین اهرم و محافظه کاری مشروط حسابداری ارتباط مثبت و معناداری (در هر دو مدل) مشاهده می‌شود و این بدین معنی است که با بیشتر شدن اهرم و بالا گرفتن کشمکش بین سهامداران و بستانکاران محافظه کاری مشروط نیز بیشتر می‌شود. این یافته با نتایج تحقیقات زیادی از قبیل کمیته مطالعاتی اراسموس، به سرپرستی دکتر کنوپس (۲۰۱۰) [۱۹]، فلسام (۲۰۰۹) [۱۶] کارونا (۲۰۰۷) [۱۷] و رایس (۲۰۰۳) [۲۳] مطابقت دارد.

بین نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری، در هیچ یک از دو مدل رابطه معناداری مشاهده نشد، اما بر خلاف پیش‌بینی‌ها این رابطه مثبت است؛ بدین معنا که بین محافظه کاری مشروط و نامشروط ارتباط معناداری وجود ندارد. این نتیجه مغایر یافته‌های رایان

تایید می‌شد. این بدین معنی است که صنایعی که به سرمایه کمتر در زمینه دارایی‌های ثابت نیاز دارند، برای جلوگیری از ورود رقبای جدید، محافظه کاری مشروط در گزارشگری مالی را افزایش می‌دهند. این نتایج با نتایج تحقیقات؛ شهریاری (۱۳۸۸) [۳] و تحقیق فلسام (۲۰۰۹) [۱۶] مطابقت دارد. بین نسبت تمرکز صنعت و محافظه کاری مشروط حسابداری ضریب (I_DUM.I_RET.INDEX) ارتباط منفی (مطابق با انتظار) ولی ضعیف (در سطح اطمینان ۹۰٪) مشاهده می‌شود. این یافته، مشابه یافته‌های فلسام (۲۰۰۹) [۱۶]، رایس (۲۰۰۳) [۲۳] و کارونا (۲۰۱۰) [۱۸] است. البته، این فرضیه در این تحقیقات در سطح اطمینان ۹۹٪ پذیرفته شده بود. بین تعداد شرکت‌های فعال در بازار و محافظه کاری مشروط حسابداری ضریب (I_DUM.I_RET.NFIRM) مطابق پیش‌بینی ارتباط مثبت و معنادار مشاهده می‌شود و این به معنای تایید فرضیه اختصاصی پنجم (در سطح اطمینان ۹۵٪) است. این نتیجه نیز با نتیجه تحقیق شهریاری (۱۳۸۸) [۳] مطابقت دارد.

در قسمت مدل دوم، فرضیه کلی تحقیق (ارتباط بین رقابت و محافظه کاری مشروط) بررسی شده است. در این مدل برای سنجش رقابت از متغیر ترکیبی COMP_SCOER استفاده شده است. همچنانکه مشخص است ضریب (I_DUM.I_RET.COMP) مطابق انتظار مثبت و معنی‌دار (در سطح اطمینان ۹۵٪) شده است. این نتیجه گویای این است که بین رقابت و محافظه کاری مشروط حسابداری ارتباط مثبت و معنی‌داری وجود دارد. پس با این حساب، فرضیه کلی تحقیق تایید می‌شود. این یافته با نتایج کار رایس (۲۰۰۳) [۲۱]،

در صنعت است. برای سنجش ارتباط بین ساختارهای رقابتی و محافظه‌کاری مشروط، در وهله نخست ارتباط بین ابعاد پنجگانه رقابت و محافظه‌کاری مشروط در قالب پنج فرضیه اختصاصی آزمون شد. در وهله دوم با استفاده از ابعاد رقابت متغیر ترکیبی برای سنجش رقابت به دست آورده، در قالب فرضیه کلی ارتباط بین رقابت و محافظه‌کاری مشروط بررسی شد. نتایج آزمون نشان داد که بر خلاف انتظار بین قابلیت جانشینی محصولات و محافظه‌کاری مشروط ارتباط معکوس و معناداری وجود دارد، اما بین حجم تقاضا و محافظه‌کاری مشروط مطابق انتظار ارتباط مثبت و معناداری برقرار است. در رابطه با موانع ورود هم براساس انتظار ارتباط منفی و معناداری مشاهده شد. بین نسبت تمرکز و محافظه‌کاری مشروط هم مطابق پیش‌بینی ارتباطی منفی، ولی بی‌معنی برقرار است و نهایتاً بین تعداد شرکت‌های فعال در بورس و محافظه‌کاری مشروط هم مطابق میل ارتباط مثبت و معناداری مشاهده می‌شود. آزمون فرضیه کلی که ترکیب پنج فرضیه اختصاصی است، نشان داد بین درجه رقابت در صنعت و محافظه‌کاری مشروط در گزارشگری مالی، ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد.

نتایج این تحقیق می‌تواند در اتخاذ رویکردهای گزارشگری، مورد توجه مدیران مالی قرار گیرد. بر اساس یافته‌های این تحقیق، بهتر است مدیران در شرایط رقابتی، برای ارائه گزارش‌های مالی رویکرد محافظه‌کارانه اتخاذ کنند. علاوه بر این، نتایج تحقیق بر تصمیمات تحلیلگران و سرمایه‌گذاران نیز اثر گذار خواهد بود. آنها باید به این نکته توجه داشته باشند که در حالت کلی وضعیت مالی صنایع رقابتی از آنچه

(۲۰۰۶) [۲۴] و فلسام (۲۰۰۹) [۱۶] است. دلایل توجیهی این نتیجه به این صورت می‌تواند باشد که در کشور ما اختلاف عمده ارزش‌های بازار از ارزش‌های دفتری به علت وجود محافظه‌کاری نامشروط نیست، بلکه به علت بالا بودن تورم است. علاوه بر این، فرصت‌های رشد آتی نیز از دلایل دیگر وجود اختلاف بین ارزش‌های بازار و ارزش‌های دفتری است.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

در این تحقیق ارتباط بین ساختارهای رقابتی محصولات و محافظه‌کاری مشروط حسابداری بررسی شد. تقاضا برای محافظه‌کاری مشروط از منابع مختلف ناشی می‌شود. صاحب‌بنظرانی چون داروغ و اسـتاغتون (۱۹۹۰) [۱۴]، داروغ (۱۹۹۳) [۱۳]، ویکچلیا (۲۰۰۱) [۲۶]، رایس (۲۰۰۲) [۲۳]، کارونا (۲۰۰۷) [۱۷] و فلسام (۲۰۰۹) [۲۰] بیان کردند که با افزایش رقابت، و افزایش تهدیدات و فشارهای ناشی از آن، بازیگران هریک از صنایع در گزارشگری مالی رویکرد محافظه‌کارانه اتخاذ می‌کنند. رقابت در بازار، علاوه بر کاهش تهدیدات رقابتی، باعث کاهش انتظارات از عملکرد آتی نیز می‌شود که این موضوع به نوبه خود باعث کاهش قیمت بازار اوراق بهادار می‌شود. از این رو، سؤال اصلی تحقیق بدین ترتیب مطرح شد که در رویارویی با تهدیدات رقابتی، ثروت ذی‌نفعان با اتخاذ رویکردهای محافظه‌کارانه حداکثر می‌شود یا رویکرد متهورانه؟

رقابت در بازار چندین بعد دارد که مهمترین آنها شامل قابلیت جانشینی محصولات، حجم تقاضا، موانع ورود، نسبت تمرکز، و تعداد شرکت‌های فعال

پیشنهادها برای تحقیقات آینده

این تحقیق ارتباط بین ساختارهای رقابتی و محافظه کاری مشروط را بررسی کرد. پیشنهاد می شود در تحقیقات آینده ارتباط بین ساختارهای رقابتی و محافظه کاری نامشروط نیز ارزیابی شود. علاوه بر این، همان طور که در قسمت محدودیت ها بیان شد، رقابت ابعاد بسیار متفاوتی دارد، بنابراین پیشنهاد می شود ارتباط ابعاد دیگری از رقابت با محافظه کاری مشروط نیز بررسی شود.

بر اساس یافته های پژوهش هزینه ناشی از تهدیدات رقابتی بیشتر از هزینه اتخاذ رویکرد محافظه کارانه است و لذا بازیگران صنایع رویکرد محافظه کارانه اتخاذ می کنند. اکنون این سؤال مطرح می شود که آیا همه مواقع (مثلاً در هنگام نیاز به تامین مالی از طریق بدهی یا حقوق صاحبان سهام) هزینه تهدیدات رقابتی بیشتر از هزینه اتخاذ رویکرد محافظه کارانه است یا خیر؟ زیرا در مواقع تامین مالی ارائه تصویری نامناسب از وضعیت مالی، تامین مالی کارآمدی را به دنبال نخواهد داشت. بنابراین، پیشنهاد می شود ارتباط بین ساختارهای رقابتی و محافظه کاری مشروط در دوره های قبل از تامین مالی بیشتر بررسی شود.

همانطور که قبلاً بیان شد؛ صنایع در رویارویی با تهدیدات رقابتی رویکرد محافظه کارانه اتخاذ می کنند. لذا ضروری است این موضوع بررسی شود که اتخاذ رویکرد محافظه کارانه تا چه اندازه در جلوگیری از ورود رقبای بالقوه و یا کاهش (یا حداقل ثابت نگه داشتن) سقف تولید رقبای بالفعل موفق عمل کرده است.

در گزارش های مالی این صنایع ارائه می شود، مطلوبتر است. مقامات مالیاتی نیز باید به این موضوع توجه کنند که علاوه بر عوامل یاد شده در اتخاذ رویکردهای محافظه کارانه (از قبیل خود مالیات، هزینه های سیاسی، اهرم، عدم تقارن اطلاعاتی و ...) رقابت نیز از عوامل مهم به شمار می رود. در حقیقت، وضعیت صنایع از آنچه در گزارش های مالی این صنایع ارائه می شود، مطلوبتر است، لذا باید مالیات بیشتری نیز پرداخت کنند. همچنین، نهادهای استانداردگذار باید در تدوین استانداردهای خاص برای هر صنعت به این موضوع نیز توجه داشته باشند، که یکی از عواملی که محافظه کاری مشروط را ایجاد می کند، بحث رقابت است. در صورتی که هدف نهادهای سیاستگذار تلاش در راستای ارائه اطلاعات منصفانه باشد، باید به گونه ای استاندارداردگذاری شود که اثر رقابت در ارائه اطلاعات جانبدارانه (محافظه کاری بیشتر از حد معمول) خنثی شود.

محدودیت های تحقیق

در این پژوهش برای سنجش رقابت از شرکت های عضو بورس اوراق بهادار تهران استفاده شده است؛ بدین معنی که رقبا به اعضای بورس هر یک از صنایع محدود شده است. این موضوع چندان معقول به نظر نمی رسد، زیرا برخی رقبای صنایع عضو بورس نیستند. همچنین، رقابت در بازار علاوه بر ابعاد پنجگانه بررسی شده در این تحقیق، ابعاد دیگری نیز دارد که به دست آوردن آنها مشکل است (مثل نیروی متخصص لازم برای هریک از صنایع).

- coefficient and accounting conservatism” ;
online; <http://www.ssrn.com>
- 4- Basu, S. (1997). The conservatism principle and the asymmetric timelines of earnings. *Journal of Accounting and Economics* 24: PP 3-37.
- 5- Basu, S. (2005). Discussion of "Conditional and unconditional conservatism: Concepts and modeling." *Review of Accounting Studies* 10: 311-321.
- 6- Beaver, W.H., and S.G. Ryan. (2000). Bias and lags in book value and their effects on the ability of the book-to-market ratio to predict book return on equity. *Journal of Accounting Research* 38 (1) PP: 127-148.
- 7- Beaver, W.H., and S.G. Ryan. (2005). Conditional and unconditional conservatism: Concepts and modeling. *Review of Accounting Studies*. online; <http://www.ssrn.com>
- 8- Darrough, M.N. (1993). Disclosure policy and competition: Cournot vs. Bertrand. *The Accounting Review* 68 (3): PP 534-561.
- 9- Darrough, M.N., and N.M. Stoughton. (1990). Financial disclosure policy in an entry game. *Journal of Accounting and Economics* 12: 219-243.
- 10- Dhaliwal, D. and Huang, SH. And Khurana, I.K. and Pereira, R. (2008) Product Market Competition and Accounting Conservatism. Electronic copy available at: <http://ssrn.com/abstract=1266754>
- 11- Folsom, D.M (2009); "Competitive Structure and Conditional Accounting Conservatism"; A thesis submitted in partial fulfillment of the requirements for the Doctor of Philosophy degree in Business Administration in the Graduate College of The University of Iowa"; online; <http://www.proquest.com>
- 12- Karuna, C. 2007. Industry product market competition and managerial incentives. *Journal of Accounting and Economics* 43: 275-297.
- 13- Karuna, C. (2010). Industry Product Market Competition and Internal Corporate Governance. <http://ssrn.com>
- 14- Knoop, C.D. (2010). Accounting conservatism. ERASMUS UNIVERSITY ROTTERDAM. Erasmus School of Economics
- منابع
- ۱- افلاطونی، عباس و لیلی نیکبخت. (۱۳۸۹). «کاربرد اقتصاد سنجی در تحقیقات حسابداری»، مدیریت مالی و علوم اقتصادی، تهران: انتشارات ترمه، چاپ اول.
- ۲- رضازاده، جواد و عبدالله آزاد. (۱۳۸۷). «رابطه بین عدم تقارن اطلاعاتی و محافظه‌کاری در گزارشگری مالی»، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، دوره ۱۵، ش ۵۴، صص ۶۳-۸۰.
- ۳- ابراهیمی کردلر، علی و علی رضا شهریار. (۱۳۸۸). «بررسی رابطه بین هزینه‌های سیاسی فرضیه سیاسی و محافظه‌کاری در بورس اوراق بهادار تهران»، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، دوره ۱۶، ش ۵۷، صص ۳-۱۶.
- ۴- محرومی، رامین. (۱۳۸۸). «رابطه ارزش اطلاعات مالی حسابداری محافظه‌کارانه و غیر محافظه‌کارانه»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید باهنر کرمان.
- ۵- مهرانی، ساسان، محمد مرادی و هدی اسکندر. (۱۳۸۹). «رابطه نوع مالکیت نهادی و حسابداری محافظه‌کارانه»، پژوهش‌های حسابداری مالی، ش ۳، صص ۴۷-۶۲.
- 1- Ahmed, A., B.K. Billings, R.M. Morton, and M. Stanford-Harris. (2002). the role of accounting conservatism in mitigating bondholder-shareholder conflicts over dividend policy and in reducing debt costs. *The Accounting Review* vol.77; PP 867-890.
- 2- Ball, R., S.P. Kothari, and A. Robin. (2000). The effect of international institutional factors on properties of accounting earnings. *Journal of Accounting & Economics* 29 (1): PP 1-52.
- 3- Ball, R, S.P, Kothari (2007); "Econometrics of the Basu asymmetric timeliness

- marketto- book and conservatism in financial reporting. *Journal of Accounting and Economics* 44: 2-31.
- 20- Ryan, S.G. (2006). Identifying conditional conservatism. *European Accounting Review*, 15(4): 511-525.
- 21- Verrecchia, R.E. Essays on disclosure. (2001). *Journal of Accounting and Economics* 32: 97-180.
- 22- Watts, R.L. (2003)(a). Conservatism in accounting part I: Explanations and implications. *Accounting Horizons* 17 (3): 207-221.
- 23- Watts, R.L. (2003)(b). Conservatism in accounting part II: Evidence and research opportunities. *Accounting Horizons* 17 (4): 287-301
- 24- Zimmerman J.L. (1983) Taxes and Firm Size. *Journal of Accounting and Economics*; 5: 119-149.
- 15- Laffond, R. and R. L. Watts. 2006. The Information Role of Conservative Financial Statements. On Line: www.SSRN.Com.
- 16- Lucy F. Ackert, Bryan K. Church, and Mandira Roy Sankar. (June 1998). Voluntary Disclosure under Imperfect Competition: Experimental Evidence. Federal Reserve Bank of Atlanta Working Paper. 7-98
- 17- Qiang, X. (2007). The effects of contracting, litigation, regulation, and tax costs on conditional and unconditional conservatism: Cross-sectional evidence at the firm level. *The Accounting Review* 82 (3): 759-796.
- 18- Raith, M. (2003). Competition, risk, and managerial incentives. *The American Economic Review* 93 (4): 1425-1436.
- 19- Roychowdhury, S., and R.L. Watts. (2007). Asymmetric timeliness of earnings,

Archive of SID